



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

زن و سوپرکتیویته‌ی مدرن

تحلیل موقعیت اجتماعی و اخلاقی زن در رمان‌های سیمین دانشور

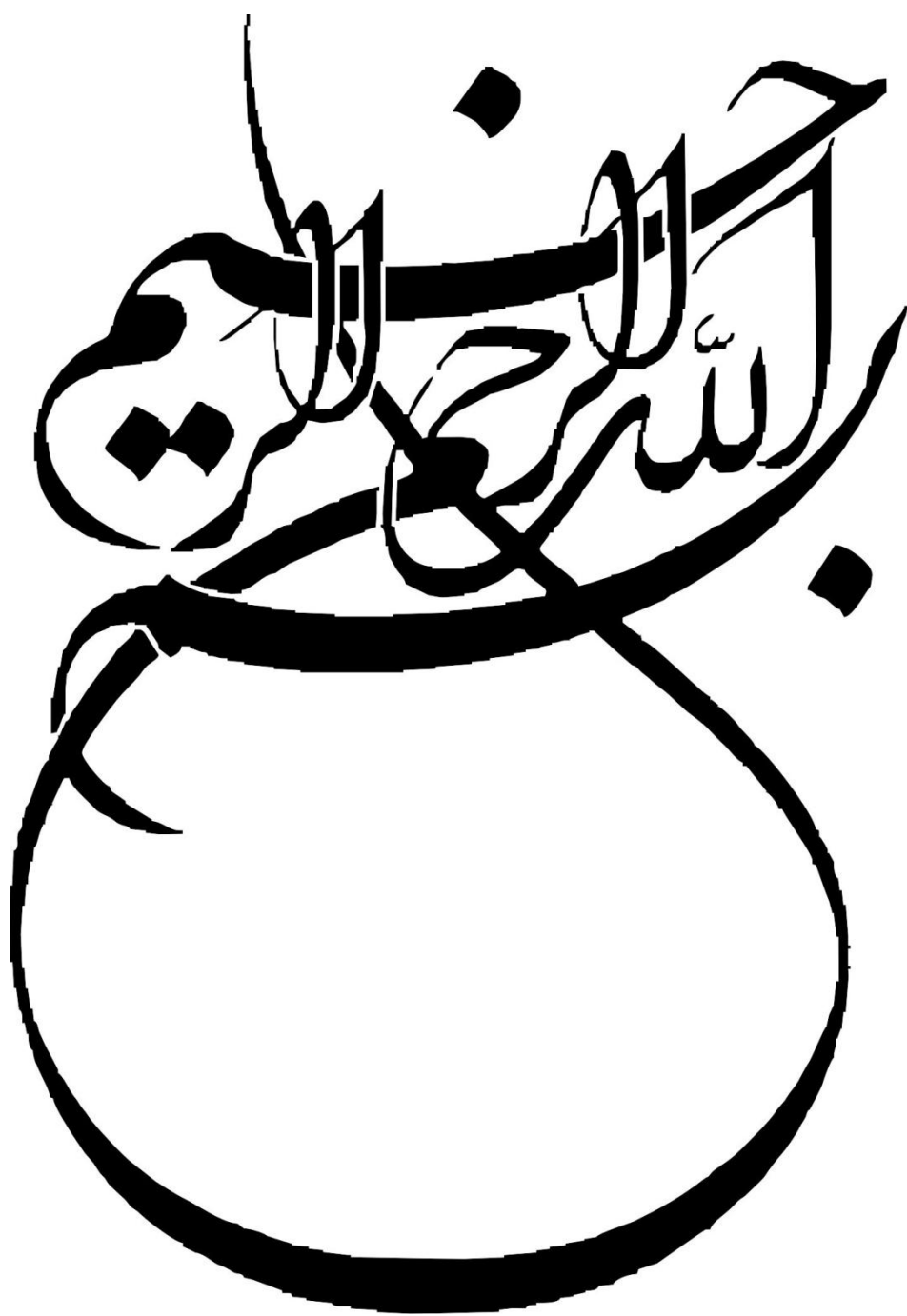
از:

الهام محمدی

استاد راهنما:

دکتر حسن چاوشیان

مهر ۱۳۹۲



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی)

زن و سوژکتیویته‌ی مدرن

تحلیل موقعیت اجتماعی و اخلاقی زن در رمان‌های سیمین دانشور

از

الهام محمدی

استاد راهنما

دکتر حسن چاوشیان

استاد مشاور

دکتر علیرضا نیکویی

مهر ۱۳۹۲

تقدیم به تمام اساتید گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان که پس از هفت سال

تحصیل، همانند خانواده من شدند و درس های زیادی از تک تک عزیزان،

هم در عرصه علمی و هم در زندگی آموختم.

|| برقرار باشید و سبز ||

با تشکر از:

استاد عزیزم دکتر حسن چاوشیان و دکتر علیرضا نیکویی از گروه ادبیات که

راهنمایی و مشاوره این کار را بر عهده گرفتند.

خانواده عزیزم؛ پدر و مادر، مهربانم، اکرام دوست داشتنی و مرتضی همیشه خوبم.

دوست خوبم علیرضا عزیزی با محبت های بی دریغش.

ساسان مسکسار بخاطر مهربانی ها و همراهی هایش.

فارسی.....د

چکیده انگلیسی.....ه

فصل اول: کاریات تحقیق

۱-۱- مقدمه

.....۲

۱-۲- بیان مسأله

.....۳

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

.....۷

۱-۴- اهداف تحقیق

.....۷

۱-۵- سوالات تحقیق

.....۷

فصل دوم: پیشینه نظری و تجربی تحقیق

۲-۱- پیشگفتار

.....۹

۲-۲- بررسی ادبیات تحقیق

.....۹

۲-۲-۱- سوژه و سوژه بودگی.....۹

.....۹

۲-۲-۲- انواع سوژه.....۱۰

.....۱۰

۲-۲-۳- بررسی ادبیات تحقیق.....۱۹

.....۱۹

۲-۳-۱- سوژه و سوژه بودگی.....۹

.....۹

۲-۳-۲- سوژه روشنگری.....۱۰

.....۱۰

۲-۳-۳- رنه دکارت.....۱۱

.....۱۱

۲-۴-۱- امانوئل کانت

.....۱۲

۲-۴-۲- سوژه جامعه‌شناسی

.....۱۵

۲-۴-۳- سوژه مرکز زدوده

.....۱۶

۲-۴-۴- سوژکتیویته: دونالد هال

.....۱۷

۲-۳-۳- پیشینه تجربی.....۱۸

.....۱۸

۲-۳-۱- پیشینه فارسی.....۱۸

.....۱۸

۲-۳-۲- پیشینه خارجی.....۲۴

.....۲۴

فصل سوم: روش تحقیق

۳-۱- پیشگفتار

.....۲۹

۳-۲- موضع معرفت‌شناختی.....۲۹

.....۲۹

۳-۳- روش شناختی.....۳۰

.....۳۰

۳-۳-۱ تحلیل روایت..... ۳۰

۳-۳-۱-۱ روزنتال و فیشر (۲۰۰۴)

۳-۳-۱-۲ شونز (۱۹۸۳)

۳-۳-۱-۳ هائوپرت (۱۹۹۱)

۳-۳-۲ اساسی

۳-۴ روش تحلیل

۳-۵ اعتبار تجلیل

فصل چهارم: تحلیل و بررسی داده‌ها

۴-۱-۱ پیشگفتار

۴-۲-۱ جزیره سرگردانی

۴-۲-۲-۱ خلاصه داستان

۴-۲-۲-۲ بررسی شخصیت‌ها

۴-۲-۳ تضادهای داستانی

۴-۲-۴ سخنان سیمین، استاد هستی

۴-۲-۵ استاد مانی

۴-۲-۶ بیژن

۴-۲-۷ مامان عشی

۴-۲-۸ عشق دور

۴-۳-۱ ساریان سرگردان

۴-۳-۱-۱ خلاصه ساریان سرگردان

۴-۳-۲ سرگردانی سلیم

۴-۳-۳ زندان

۴-۳-۴ ازدواج دوباره سلیم

۴-۳-۵ کشمکش‌های هستی با خود

۴-۳-۶ خودآگاهی و آزادی از سلیم

۴-۳-۷ امید دوباره

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

نتیجه گیری

منابع

..... ۶۸

..... ۷۲ منابع فارسی

..... ۷۵ منابع انگلیسی

عنوان: زن و سوژگیته‌ی مدرن، تحلیل موقعیت اجتماعی و اخلاقی زن در رمان‌های سیمین دانشور

دانشجو: الهام محمدی

این پژوهش با بررسی رمان‌های جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان سیمین دانشور در پی تحلیل موقعیت اجتماعی، اخلاقی و میزان سوژه‌بودگی زن در پهنه‌ی جامعه معاصر ایران است. در رمان‌های حاضر که زندگی زنی به نام هستی را روایت می‌کنند، می‌توان دریافت که شخصیت‌های مختلف داستان در چه رابطه‌ای با هستی قرار می‌گیرند و از طریق واسازی یا روایت مجدد داستان می‌توان پی برد که زنان داستان در مقایسه با شخصیت‌های مرد در چه جایگاهی قرار دارند و از چه میزان از سوژه‌بودگی برخوردارند. واسازی شیوه‌ی تحلیل مجدد این روایت است و مفهوم سوژه‌بودگی محور تحلیل هر یک از شخصیت‌ها است. مضمون اصلی که دانشور در این دو کتاب دنبال می‌نماید ارائه بازنمایی از زندگی شخصیت اصلی در هر دو کتاب یعنی هستی است که در فرایندی از تحول روحی و فکری از سرگردانی به خودگاهی؛ از ابژه به سوژه می‌رسد و اما بزرگترین کشاکشی که هستی را به مبارزه برای پیدا کردن خود می‌خواند تجربه‌های او در زندگی احساسی و دوراهی سلیم/ مراد است. در کتاب اول برخلاف تمام تضادهای فکری که با سلیم دارد او را انتخاب می‌کند اما در کتاب دوم با زندانی شدن و تجربیات مختلف هستی "من" سرگردان خود را پیدا می‌کند یا بهتر است گفته شود کم‌کم در جهت پیدا نمودنش حرکت می‌کند. هستی در کتاب نخست، در وضعیت ابژه قرار دارد، اما به این ابژه بودگی خود آگاهی یافته و در تلاش برای تغییر برمی‌آید هر چند که تا پایان کتاب نخست نیز این امکان‌رهایی را پیدا نمی‌کند و در نهایت تسلیم شرایط می‌گردد. اما در کتاب دوم، سلیم برخلاف هستی در اثر تلنگرهایی که بر بنیاد فکری اش وارد می‌گردد از ابژه ناآگاه به سوی ابژه خودآگاه به حرکت می‌افتد و این در حالی است که هستی با جدایی از او حرکت به سوی سوژه بودن را آغاز نموده است.

کلید واژه‌ها: سوژه‌بودگی، ابژه‌بودگی، زن، واسازی، رمان، جزیره سرگردانی، ساریان سرگردان، سیمین دانشور

Abstract

Title: Women and Modern Subjectivity,

An analysis about Social and moral position of women in Simin Daneshvar's novels.

Student: Elham Mohammadi

This study is an analysis on Simin Daneshvar's novels that were written after Islamic revolution (1979). The method of analyzing is Derrida deconstruction. These novels are about a girl's life (Hasti) who is in doubt in different aspects of her life and she is not able to make decisions, she is influenced by different people. She wants to be a modern woman who is independent, works outside and etc. She is in wandering and thinks about everything and discusses with people to find a way for her as a woman. There are two men in her life and she has to select one of them as her husband, two men with different political attitude and opinions. In the first book, she is surrounded by social structure and despite her beliefs and values, she chooses Salim as a husband. In the second novel some small changes have been seen. She has become known about her subjectivity as a woman. But these changes are not important; in this story, it seems that women's subjectivity is just in the mind and theatrically and there is no subjectivity in practical behavior and decision.

Key words: subjectivity, objectivity, women, deconstruction, novel, Simin Daneshvar

فصل اول:

کلیات تحقیق

به گفته آنتونی گیدنز^۱ ما در جهانی به سر می‌بریم که سخت دستخوش تغییرات و تحولات اساسی و هیجان‌انگیز است، تغییراتی که در زندگی روزمره ما رخ می‌دهند نشانگر این واقعیت است که امروز دیگر نه گذشته بلکه آینده پیش روی ماست و این آینده است که زندگی اجتماعی ما را تعیین می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۳).

اگر زمانی آسمان و آنچه در آن می‌گذشت به معمای بزرگ بشری و مورد رایزنی‌ها و محرک تخیلات و ریشه‌ی اسطوره‌زدایی هایش بود؛ امروز دیگر زمین و آنچه در آن می‌گذرد حائز اهمیت است یعنی به عبارتی تجربه مدرنیته چنین نقشی را یافته است و خود نیز به معمایی بزرگ تبدیل شده است که دیگر حتی توافق جمعی بر سر ارائه یک معنای مشترک از آن امری دشوار گشته است. اگر زمان حال را از گذشته بسیار نزدیک آن که در واقع شناسایی و تعیین هویت حال در گرو آن است جدا کنیم، حاصل شکافی خواهد بود دوگانه متناقض با ماهیتی دیالکتیکی. نتیجه این دوگانگی متناقض و ذاتا دیالکتیکی پدیداری وجودی خواهد بود مقاوم و پایدار و در عین حال غیر قابل مقاومت و پیچیده و معماگونه. حل آن دوام نخواهد آورد و لحظه‌ای بعد معمایی دیگر سر بر خواهد آورد که شاید جذاب اما بی‌شک دردسر آفرین است. ت. اگر موجودی فاقد مرجع یا مصداق عینی وثابت باشد باید آن را در کنش خود یابانه جستجو کند. کرسی که "حال" را معنا دار می‌کند و همین معنا آن را به استمرار و تجددشوندگی سوق می‌دهد، این امر زیر ساخت اساسی نظریه هابرماس در مورد مدرنیته را تشکیل می‌دهد. (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۸)

زمانی که هابرماس^۲ سخن از کنش خودیابانه به میان می‌آورد آن را به قید مکان و موقعیت تاریخی و پرژه‌ی که کنشگران با آنها سروکار دارند مقید می‌کند. هابرماس مدرنیته را پروژه ناتمام روشنگری دانست. او در توصیف شاخص‌های آگاهی زیبایی‌شناسی سخن از نوعی بازی دیالکتیکی بین راز داری و رسوایی علنی به میان می‌آورد. رازداری سنت و رسوایی که مدرنیته به همراه دارد و این رسوایی حاصل شورش علیه هنجارها و کارکردهای عادی ساز سنت است. (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۹)

هابرماس که تحت تاثیر ماکس وبر به ترسیم نظریه در باب مدرنیته پرداخته است و جامعه مدرن را حاصل عقلانی شدن زیست جهان و تفاوت یافتن نظام اجتماعی می‌داند. مدرن شدن زیست جهان باعث تقسیم شدن آن به سه حوزه‌ی ارزشی (علم، رهیافت اخلاقی، هنر) شده است. از دیدگاه او پروژه مدرنیته طرح تاریخی منحصر به فردی برای بشریت به شمار می‌آید. چرا که تحقیق ر وز افزون زیست جهان مبتنی بر عقلانیت ارتباطی را می‌توان تنظیم کننده فرضیه روشنگری دانست. (نوذری، ۱۳۷۹: ۲۱)

¹Anthony Giddens

²Jürgen Habermas

مدرنیته را می توان به مثابه ساختار آگاهی زمان حال تاریخی تلقی و درک نمود که ویژگی شاخص آن تحول دائمی است . و از آنجایی که در این عصر خرد می تواند درست و نادرست را تشخیص دهد، خود آیینی عین آزادی است و در راستای آن هستی شناسی مدرن انسانگرایانه و سکولاریستی است. و انسان به سوژه کل تاریخ تبدیل شده است. و بنابر این ، پیشرفت اساسا یک اقدام انسانی است، پیشرفت متضمن به کارگیری عقل انسانی در عرصه وظیفه یا رسالت ایجاد دنیایی بهتر است. در همین زمینه می توان تغییر در صورت سیاسی و معرفت شناسی مشاهده کرد. منبع قدرت قرار دادی می شود و مبنای معرفت شناسی این عصر بر پایه عقل و تجربه شکل می گیرد و مفهوم سوژکتیویته سر در می آورد . که سوژه انسانی با تامل بر خود، جایگاه خودسالارانه پیدا می کند.

۱-۲ بیان مساله

این عصر امکان های مختلفی را در همه عرصه ها فراهم آورده است و شکل گیری هویت فردی و سوژکتیویته از پیامدهای مهم این عقل گرایی شده است . اما مدرنیته و فرایند همه گیر آن بی شک انتقادهای را در پی داشته است . انتقادهای که از سویی افرادی که در سطوح مختلف این عصر را به نوعی تجربه می کنند شکل گرفته است. یکی از مهمترین تجربه ها، تجربه زنان و شکل گیری فمینیست می باشد که از پایه ای ترین اصل اعتقادی مدرنیته سر در آورده است . بن فمینیستی مدرنیته در این گفتمان نهفته است که انسانیت مستقل از جنسیت است ، به عنوان نمونه می توان رساله جنس دوم دوبوار را که نخستین بار در سال ۱۹۴۹ منتشر شد و موج عظیمی از انتقادات را در پی داشت مطرح کرد. که زنان را به کندوکاو درباره خود و رابطه شان با کودکان و خانواده و مناسبات شان با مردان وا می دارد. او در این اثر بر این اعتقاد است که در مدرنیته انسانیت با مردانگی معادل می گردد. به طوری که انسان های مذکر نیازی ندارند که به عنوان مرد به تفاوت هایشان با زنان بیندیشند . از سوی دیگر، زنان را "دیگرانی" به شمار می آورند که فقط بر حسب تفاوت هایشان با مردان تعریف می شوند . زنان نه چون سوژه های مستقل بل صرفا چون ابژه های دنیای مردانه اند.

جالب این جاست که خود سیمون دوبوار^۳ در رمان "وانهاده" زنی را به تصویر می کشد که سالها در پی ایفای نقش همسر و مادری دلسوز فردیت خود را گم کرده و حال که تنها مانده بی هویتی بزرگترین معضل زندگی اوست . دوبوار به جای اینکه خواننده را به دلسوزی و همراهی با شخصیت زن رمان وادار کند به نحو ظریف و موشکافانه ای مشکلات زن را ناشی از باور های غلط و عدم تلاش زن برای رسیدن به خواسته های فردی و رشد اجتماعی جلوه می دهد. (ماتیوز، ۱۳۷۸: ۱۸ و ۱۹)

³ Simone De Beauvoir

همه ی گفته ها از تجربه عصر مدرن به طور کلی و هم نظریه های در راستای مدرنیته نشانگر موج جاری این عصر است اما این مسئله را مطرح می کند که جامعه ایران چگونه این فرایند را تجربه نموده و این شاخص ها را در آثار مختلف باز نمود می کند. همانطور که فرزین وحدت در کتاب رویایی فکری ایران با مدرنیت اشاره می کند، مدرنیت به آسیب زنده ترین و در نتیجه بیدار کننده ترین شکل خود یعنی امپریالیست نظامی گرانه در زمان قاجار (۱۱۷۳-۱۳۰۴) وارد ایران شد. و با آنکه تجربه اولیه ایران با مدرنیت بیش تر توجه به عرصه های نظامی و فن آوری معطوف بود اما در حوزه اجتماعی - سیاسی کنجکاو ی های را فراهم آورد. مثلا ملکم خان در پاره ای از نوشته های خود در مورد آزادی در آن زمان می نویسد : "شرافت خلقت ما در این نهفته است که خدا ما را فاعل مختار [ذهن آزاد] آفریده و به اقتضای این شرافت ما را مامور فرموده که به عقل خود و اجتهاد خودمان مالک و مستحفظ حقوق آدمیت خود باشد" (وحدت، ۱۳۸۲: ۵۸)

برجسته شدن عقل و انسان که رگه های اساسی روشنگری و مدرنیته است به تدریج در آثار مختلف روشنفکران ایرانی گسترش پیدا کرد، و حال با توجه به تجربه مدرنیته در ایران و تغییر در عرصه های مختلف و شیوع آن در همه نهادها ی اجتماعی و فرهنگی، این سوال برای ما مطرح می شود که ادبیات و قالب های ادبی چه تغییراتی را در پی خواهند داشت؟ زیرا ادبیات تجربه جمعی انسان ها را به ما نشان می دهد تجربه ای که در فراسوی تاریخ حال زندگی ما می تواند وجود داشته باشد.

در عصر مدرن و مرجعیت پیدا کردن عقلانی ت، رمان ظهور پیدا می کند. . پیدایی رمان به عنوان یک ژانر ادبی جدا از تحولات فلسفی و اجتماعی نیست. رمان، به عنوان فرم و ساختاری تازه در ادبیات از عمری کمتر از چهار سده برخوردار است، و این چهار سده مصادف است با شکل گیری، نضج، و فراگیری دوران تازه ای از اندیشه ی انسان غربی. دورانی که یادآور انقلاب های صنعتی، انقلاب های سیاسی و اجتماعی، اصلاحات در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، و همچنین اتخاذ رویکردی نوین در فلسفه بوده است. در حقیقت پیدایش رمان نیازمند دگرگونی هایی است که خلق آن را ممکن می سازند. در این مورد باید از پیدایی مفاهیم و واقعیت های اجتماعی چون واقع گرایی، فردگرایی، عشق، تجربه خصوصی و همچنین از پیدایش یک جمعیت کتاب خوان سخن گفت. به عبارت دیگر تا زمانی که واقع گرایی به عنوان یک ارزش فلسفی - اجتماعی مطرح نشود و تا هنگامی که فردگرایی به عنوان یک مفهوم فکری و ی ک واقعیت اجتماعی پدید نیاید رمانی نوشته نخواهد شد همچنان که پیدایش عشق رمانتیک و حوزه و تجربه خصوصی از پیش نیازهای تولد رمان است. . همانطور که لوکچ حماسه را متعلق به دورانی می داند که میان قهرمان و جهان هیچ جدایی نمی بیند اما رمان را مبتنی بر جدایی جاودانه جهان قهرمان و جهان واقعیت می پندارد. که قهرمان رمان به دنبال ارزش های اصیلی است و این پایان حماسه است (لوکچ، ۱۳۸۱: ۳۳).

گلدمن^۴ که فرم رمان را برگردان زندگی روزمره در جامعه فردگرا می بیند و بر این باور است که پیدایش رمان با توجه به پیش نیازهای فلسفی - اجتماعی ذکر شده به اوایل قرن هیجدهم بر می گردد . دیفو، ریچاردسون و فیلدینگ از جمله نویسندگانی هستند که در خلق این ژانر جدید نقش داشته اند. رمان از زمان تولد تا امروز تغییر و تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته و رمان نویسان بزرگی به جهان ادبی معرفی شده اند. (گلدمن، ۱۳۷۱ : ۲۱)

پیدایش رمان در ایران به سالهای ابتدایی قرن حاضر برمی گردد . البته اساسا در وجود یا عدم وجود ژانری به نام رمان در ایران تردید های جدی وجود دارد . برخی منتقدان به غیر از آثاری معدود، سایر آثار ادبی را شایسته نامیده شدن به نام رمان نمی دانند. در حقیقت از دیدگاه بسیاری از منتقدان ادبی پیدایی رمان در ایران به خلق بوف کور صادق هدایت (۱۳۱۵) باز می گردد و بوف کور از معدود رمان های اصیل فارسی است.

با این وجود در سالهای ابتدایی قرن آثار ادبی پدید آمده اند که در کتاب های تاریخ ادبیات رمان نامیده شده اند و ما نمی توانیم با تساهل آنها را رمان به حساب آوریم . از این رو می توانیم از نویسندگانی چون مرتضی مشفق کاظمی، عباس خلیلی، یحیی دولت آبادی، محمد حجازی، ربیع انصاری به عنوان نخستین رمان نویسان ایرانی نام ببریم و در سالهای بعد نیز باید به ذکر نام رمان نویسانی چون جهانگیر جلیلی، محمد مسعود، علی دشتی، محمد جمالزاده، صادق هدایت و... پردازیم. در نتیجه رمان نویسی در ایران همزمان با سالهای ابتدایی ظهور رضا شاه (۱۳۰۰) آغاز می شود و در سالهای بعد ادامه می یابد.

البته به عنوان یک نکته تکمیلی باید اشاره کرد که در دوره مشروطه نیز آثار ادبی پدید آمدند که از آنها به عنوان رمانهای تاریخی نام برده شده است و نویسندگانی چون محمد باقر خسروی، شیخ موسی نثری، حسن بدیع، عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی از جمله نویسندگان آنها هستند. بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده اند که ظهور رمان در ایران، ارتباط مستقیمی با نهضت مشروطه دارد. اگر چه در زمان مشروطه و حتی دهه های اولیه پس از آن، ما شاهد ظهور رمان برجسته ای نیستیم، اما در واقع مشروطه را می توان به عنوان بستر مهبیایی در نظر داشت که سازه های معرفتی و اجتماعی لازم را برای ظهور این قالب جدید در ایران فراهم کرد این پدیده البته در غرب نیز وجود دارد و قبل از رمان نویسانی چون دیفو، ریچاردسون و فیلدینگ رمان نویسان تاریخی مشغول به کار بوده اند. اما در هر حال آغاز رمان نویسی و تولد رمان با سه نویسنده فوق همراه بوده است و در ایران نیز رمان نویسان تاریخی نمی توانند به عنوان آغازگران رمان در نظر گرفته شوند. رمان تاریخی در غرب و ایران پیش زمینه ای در تولد رمان بوده است.

آغاز رمان در ایران، مصادف بود با گسترش جریان های چپ در سرتاسر دنیا، و خاصه در کشورهای جهان سوم . در ایران، در حوزه ادبیات، این تاثیرپذیری را در قالب الگوگیری نویسندگان از ادبیات روسیه و نظریه مارکسیسم- لنینیسم روسی و مد

⁴Goldman

شدن نویسندگانی همچون ماکسیم گورکی و شولوخوف می بینیم . به نحوی که واژه ادبی رئالیسم در فرهنگ ما با رئالیسم سوسیالیستی یکی می شود.

اما نکته مهم و ارزشمندی در اینجا وجود دارد و آن تشابه مضامین رمانهای اولیه در غرب با مضامین رمانهای آغازین در ایران است . رمانهای نخستینی چون "مال فلاندرز" (دیفو)^۵، "پملا" (ریچاردسون)، "کلاریسا" (ریچاردسون)^۶ و "تام جونز" (فیلدینگ)^۷ مضمونی اجتماعی دارند و عمدتاً پیرامون زنان و مسایل اجتماعی مرتبط با آنان شکل گرفته اند. این رمانها همچنان که از اسامی آنها نیز مشخص است عمدتاً از قهرمانانی زن برخوردارند و به موضوعاتی چون عشق ، خواستگاری، ازدواج، فحشا می پردازند. در طرف دیگر رمانهای آغازین فارسی نیزرمانهایی اجتماعی اند و درباره مسائل زنان نوشته شده اند . "تهران مخوف" (مشفق کاظمی ۱۳۰۱)، "روزگار سیاه" (عباس خلیلی ۱۳۰۳)، "شهرناز" (یحیی دولت آبادی ۱۳۰۳)، "هما" (محمد حجازی ۱۳۰۷)، "پریچهر" (محمد حجازی ۱۳۰۸)، "جنایات بشر" (ربیع انصاری ۱۳۰۹) از جمله رمانهایی هستند که به مسائلی چون عشق، ازدواج، فحشا می پردازند و مسائل مرتبط با زنان را مو رد توجه قرار می دهند . اسامی این رمانها نیز بعضاً از اسامی زنان انتخاب شده اند. (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ۵۱ و ۵۲)

و حال با توجه به همه گفته ها در زمینه تجربه مدرنیته و شکل گیری نظریه های فمینیستی و همین طور شکل گیری رمان به عنوان قالب ادبی مدرن؛ و تجربه جامعه ایر ان در زمینه مدرنیت و همین طور ظهور رمان در ایران، این مسئله اجتماعی شکل می گیرد که شاخص های مدرنیته چگونه در رمان ها نمودار می شود و سوژه این شاخص ها چه کسانی هستند؟ همان مفهوم فردیت، استقلال و آزادی که در مفهوم سوژکتیویته متبلور می شوند، در رمان ایرانی چگونه است و سهم زنان در آن به چه میزان است؟ آیا زنان همچون مردان سوژه های این ارزش های اجتماعی مدرن می باشند؟

۳-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق

در جامعه امروز ایران، تحولاتی چون افزایش سطح سواد و اشتغال زنان، و گسترش فضاهای سایبرنتیکی و اطلاعاتی، زنان را در گذار از وضعیت سنتی و مکانیکی گذشته به دوران مدرن و اندام وار نوین با دوگانه گی و ابهام روبه رو ساخته است. از سویی، ساختار سنتی جامعه، زنان را به ایفای نقش های تنها سنتی وا می دارد، و از دیگر سو، زنان در بسترهای نوین پدید آمده، شخصیتی متمایز فردیت یافته می یابند که می توانند بدون وابستگی منفعلانه به دیگران عمل کنن (زنجانای زاده و امیری، ۱۳۸۴). در این دو گانه گی و ابهام نقش فرهنگ نوشتاری ما در بسترسازی زمینه های رشد اندیشه در میان زنان تحصیل کرده

⁵ Moll flandersdefoe
⁶Pamela by Richardson
³Tom Jones

کنونی اهمیت خاصی می یابد. آثار سیمین دانشور به عنوان یکی از معدود و مشهور نویسندگان زنی که به دغدغه های زنان در متن جامعه ایرانی می پردازد می تواند نقشی موثر در تحول بخشی از خرده فرهنگ زنان ایفا نماید. در واقع، آثار دانشور در دوره تحول جامعه ایرانی از سنتی به مدرن نوشته شده است و به بیان دغدغه های زنان در وضعیت سنتی می پردازد. جستجوی عناصر سوژکتیویته زنان در آثار وی می تواند به فهم ما در چگونگی ساخت یابی ذهنیت خرده فرهنگ زنان کمک نماید.

۴-۱ اهداف تحقیق

۱. یافتن بازنما های مدرنیته در رمان های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان.
۲. بررسی وضعیت سوژکتیویته زنان در رمان های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان سیمین دانشور.
۳. بررسی مهمترین عناصر سوژکتیویته زنان در رمان های مذکور.
۴. تفاوت میزان سوژکتیویته زنان داستان در مقایسه با مردان.

۵-۱ سوالات تحقیق

- از این رو در این تحقیق باید به سوالات زیر پاسخ دهیم:
۱. وضعیت سوژکتیویته زنان در رمان های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان چگونه است؟
 ۲. مهمترین عناصر سوژکتیویته زنان در این رمان ها چه می باشد؟
 ۳. آیا تفاوتی میان سوژکتیویته زنان و مردان در رمان های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان وجود دارد؟
 ۴. در صورت وجود تفاوت، تفاوت ها به چه شکلی خود را نشان می دهد؟

فصل دوم:

مبینه نظری و تجربی تحقیق

۱-۲ پیشگفتار

در فصل دوم به مرور پیشینه تجربی و ادبیات نظری تحقیق می پردازیم تا پشتوانه های تجربی و نظری لازم را برای پژوهش حاضر جمع آوری نموده و نخست، با مرور ادبیات نظری تحقیق، کاراترین و موثرترین نظریه هایی که می تواند در تحلیل روایت به کمک محقق بیاید شناسایی می نماییم. و سپس با آشنایی با پژوهش هایی مشابهی که در زمینه تحلیل روایت، واسازی و یا تحلیل متن به طور کلی صورت گرفته است، با چگونگی انجام پژوهش و نکاتی که باید در چنین پژوهشی رعایت کرد، آشناتر گردیم.

۲-۲ بررسی ادبیات نظری تحقیق

در بخش ادبیات نظری تحقیق، به طور خاص به بحث سوژه و سوژکتیویته و پیش فلسفی، ادبی و جامعه شناختی آن می پردازیم. در این جا تلاش آن است که ادبیات نظری که پیرامون مفهوم سوژکتیویته شکل گرفته است، بررسی نماییم.

۱-۲-۲ سوژه و سوژه بودگی

سوژه و سوژه بودگی تعبیرهای مهمی در نظریه ی فرهنگی اجتماعی معاصر هستند. این اصطلاحات ابتدا در مکاتب انسان - گرای، مارکسیسم، روانکاوی، سپاساختارگرایی و فیمینیسم باب شدند و سپس به مطالعات فرهنگی، مطالعات رسانه و فیلم و نیز مطالعات ادبی تسری یافتند. مکاتب مذکور همگی زاینده ی تحولات قرن بیستم هستند. در حالی که قرن هفدهم به عنوان عصر خرد و انقلاب علمی در نظر گرفته می شد، جنبش های فرهنگی، فلسفی و سیاسی متعددی ایده های مأخوذ از روشنگری و اومانیزم در مورد سوژه بودگی در آن دوران را به چالش کشیدند. رویکرد مارکسیستی که در دهه ی ۱۹۴۰ رایج شد یکی از مهمترین چالش ها نسبت به سوژه ی عقلانی مطلق را عرضه کرد و زیگموند فروید^۸ انتقاد مؤثری از این سوژه ی قرن نوزدهمی را مفهوم پردازی کرد که تأثیر ماندگاری تا زمان حاضر از خود به جا گذاشته است. (weedon,2004: 9)

سوژه در کلی ترین معنایش عبارت از «منی»^۹ [The I] که جهان را تجربه می کند و با آن کنش متقابل دارد. (malpas,2005: 56) یعنی من در مرکز عالم قرار دارم و به مثابه ی یک سوژه جهان ابژه ها را می بینیم، حس می کنم، براساس انگیزه ها و علایق خود در مواجهه با دیگر افراد و پدیده های پیرامونم تصمیم می گیرم، دست به کنش می زنم، فکر می - کنم و من فکر می کنم به منزله ی وسیله ای برای مفاهیم فاهمه، نوری است که تجربه را روی فهم پذیری اش می - آید. (میلر، ۱۳۸۸: ۲۳۴) سوژه بدین معنا اختراع جامعه مدرن است و فرزند مدرنیته به حساب می آید. وقتی از مدرنیته سخن

⁸Sigmund Freud

⁹The I

می‌گوییم خود را مرتبط با دو پدیده مهم می‌یابیم. یکی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و دیگری انقلاب صنعتی مله م از بخش بزرگی از قراردادهای اجتماعی روسو، اصل اساسی انقلاب فرانسه، همانطور که در مانیفست اولیه‌ی آن آمده است، بیانیه‌ی حقوق انسانی و شهروندی بود که همه‌ی انسان‌ها آزاد زاده شده‌اند و حقوق برابر دارند. انقلابیون فرانسه به نام «آزادی، برادری و برابری» تلاش کردند که خرد را به جای نسبت و حقوق برابر را به جای امتیازات جانشین کنند. بدین سان خرد اصل اساسی موجود بشری معرفی شد و بعد از سلطه‌ی قرن‌ها ارباب کلیسا، دین به کنار رفت. بشر نگاهش را از آسمان‌ها به زمین دوخت و اگر قرار بود که بعد از مرگ نابود شویم، می‌بایست همین جهان را با دستان خود بسازیم و آن را به مکانی سعادت‌مند برای زیست خود تبدیل کنیم. انقلاب صنعتی نیز شکل‌بندی اجتماع را تغییر داد و آن را از جامعه‌ی روستایی با اقتصاد معیشتی محدود به جامعه‌ای شهری با اقتصاد گسترده تبدیل کرد و سعی نمود که قید و بندها و سلسله‌مراتب جامعه سنتی را منحل نماید. نتیجه این تحولات نوین آن بود که بشر به عنوان ارباب، کنترل‌کننده و سلطان جهان در نظر گرفته شد، چنان که قادر بود سرنوشت خود را خود رقم بزند و سوژه‌ی مدرن یکی از دستاوردهای جامعه‌ی مدرن لقب گرفت.

۲-۲-۲ انواع سوژه

«استوارات هال»^{۱۰} سه دسته سوژه را از هم مجزا می‌کند:

- سوژه روشنگری^{۱۱}
- سوژه‌ی جامعه‌شناختی^{۱۲}
- سوژه‌ی مرکز زدوده (پاره پاره شده) یا سوژه‌ی پست مدرن^{۱۳}.

۳-۲-۲ سوژه‌ی روشنگری

مفهوم سوژه‌ی روشنگری یا دکارتی که در عبارت مشهور «می‌اندیشم پس هستم» تجلی می‌یابد، تصویری از یک فرد یکپارچه و آگاه است که به وسیله‌ی ظرفیت‌ها و استعدادهای عقلانی‌ای مشخص می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد جهان را برحسب ویژگی‌های واقعی آن تجربه و احساس کند. از این منظر موجودات بشری، افراد یکپارچه و آگاه است که به وسیله‌ی ظرفیت‌های عقلانی‌ای مشخص می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد جهان را برحسب ویژگی‌های واقعی آن تجربه و احساس کند. از این منظر

¹⁰Stuart Hall

¹¹Enlightment Subject

¹² Sociological subject

¹³ Fractal(de-centered) or postmodern subject